

وقتی ناآگاهی پایان قصه‌ها را تاریک می‌کند

گفت‌وگو با خاطره حناچی؛ کارگردان مستند «قصه دختران فروغ»

علی کشاورز

شناخت درست، تحقیق و پژوهش و رسیدن به راه حل در آسیب‌های اجتماعی باعث پیشگیری و عدم تکرار موارد مشابه می‌شود. تفکر خاطره حناچی؛ کارگردان «قصه دختران فروغ» رسیدن به همین نکته ساده ولی پیچیده است. حناچی باسوز ه‌ها در مرکز نگهداری کودکان و نوجوانان بدسرپرست آشنا و وارد این مرکز می‌شود ولی در ادامه مسیر و با اتفاقات پیش آمده به درک صحیح تری از نبود آگاهی و آموزش در این مرکز می‌رسد و بدون واهمه آن را تصویر می‌کند. فیلم در روندی هفت‌ساله به تکامل می‌رسد.

«قصه دختران فروغ» از کجا شروع می‌شود؟

قصه فیلم از نگهداری دختران بدسرپرست در مرکزی خصوصی که زیر نظر سازمان بهزیستی است، شروع می‌شود. این دختران با اتفاقاتی از آن مرکز بیرون می‌آیند و باید با خانواده واقعی و از دواچی که منجر به بودن آن‌ها در آن مرکز شده است، مواجه شوند.

علت و انگیزه ورود به این مرکز برای ساخت مستند چه بود؟

به صورت خیلی اتفاقی و در یکی از کنسرت‌هایی که این مرکز در سال ۹۱ در تهران داشت، با آن‌ها آشنا شدم. از کارهای خوب این مرکز یاد دادن موسیقی در راستای موسیقی درمانی به بچه‌های علاقه‌مند بود. البته دغدغه شخصی من به عنوان یک زن در آن سال‌ها فرزندآوری یا به سرپرستی گرفتن یکی از آنان بود و در کنار آن این مساله توجه مرا به عنوان فیلمساز جلب کرد.

وارد مرکز شدم، مشکلات و معضلات را دیدم و در طول فیلم دغدغه‌هایم تغییر

کرد و رنگ جدی تری گرفت. بعد از سه سال کار با مسئولین مرکز به اختلاف خوردیم و نمایش فیلم متوقف شد.

و این توقف باعث ادامه کار و جالش اصلی فیلم شد؟

دقیقا، در همان زمان توقف با رولشنسی که قبلا در آن مجموعه کار می‌کرد آشنا شدم. با بچه‌ها و مشکلات آن‌ها درگیر بودم، ولی نمی‌توانستم ارتباطی غیر از چارچوب فیلم بگیرم. تا سال ۹۶ که متوجه شدم بچه‌های این مرکز علیه زوجی که مسئولیت مرکز را داشتند اعلام شکایت کرده‌اند. برای من مساله شکایت در درجه دوم اهمیت بود؛ به عنوان یک زن، اتفاقاتی که پس از این برای این دختران در جامعه رخ می‌دهد، برایم دغدغه بود. هدف این مرکز و من فیلمساز رقم زدن اتفاقات خوب برای این بچه‌ها بود، پس علت شکل‌گیری این سیکل معیوب و شکایت را پیگیری کردم. وارد مسائل حقوقی نشدم ولی زندگی آنان پس از خروج خیلی برایم اهمیت پیدا کرد.

من از سازمان بهزیستی کشور دلخور هستم چون حاضر به جلوگیری از تکرار این موارد نشدند

هدف شما درگیر کردن کدام جنس مخاطب است؟

مخاطب اصلی فیلم، سازمان بهزیستی کشور است. من از این سازمان دلخور هستم چون طی دوبار نمایش خصوصی برای فیلم به انواع و اقسام روش‌ها و حتی با قول عدم حضور خبرنگاران و فعالین اجتماعی هم مدیران ارشد حاضر به دیدن فیلم و حتی گپی خندمانی و جمع‌بندی برای جلوگیری از تکرار این موارد نشدند. من مقابل بهزیستی یا منکر اقدامات خوب آنان برای این بچه‌ها نیستم و می‌دانم ضعف و خلایق قانوی نیز بین بهزیستی و قوه قضائیه مثلا در مورد بازگشت بعضی از این بچه‌ها به خانواده‌های معلوم‌الحالشان وجود دارد؛ هدف من پیشگیری و نشان دادن سیستم آموزشی صحیح است.

مخاطبان دیگر فیلم از من و شما گرفته تا همه مردم نوع دوستی هستند که عاشقانه به فکر کمک به این بچه‌ها هستند. ما چقدر آگاهییم؟ این زوج مسئول مرکز چقدر جدا از ما هستند؟ این زوج با تفکر قدیمی که هنوز در برخی خانواده‌ها رایج است عمل می‌کردند و باور داشتند با تربیت بچه‌های قدیمی‌تر و بعضا از دواچشان، تاثیر بهتری بر بچه‌های جدید می‌گذارند و همه این‌ها ناشی از ناآگاهی، عدم اطلاع و آموزش صحیح، به روز نبودن و فقدان تفکر صحیح در مدیریت بحران است.

ادای دین خاطرات شفاهی به تاریخ معاصر

گفت‌وگو با عبدالرضا نعمت‌اللهی؛ کارگردان مستند «مهدی عراقی را بکش!»

امسال ۱۰ مستند در جشنواره فیلم فجر حضور یافته‌اند. فیلم «مهدی عراقی را بکش!» اولین اثر عبدالرضا نعمت‌اللهی، یکی از این ۱۰ مستند است. این فیلم، به واسطه شهادت شخصیت اصلی با بیان خاطره‌ها در گفت‌وگو با دوستان و آشنایان شهید، این فعال انقلابی را در تاریخ معاصر ایران به ما می‌شناساند. نام فیلم به گفته کارگردان، پیشنهاد بهروز افخمی است؛ فیلمی که افخمی با نگاهی به زندگی همین شهید، مجالی برای ساخت آن نیافت. این مستند پیش از این در بخش شهید آوینی جشنواره «سینما حقیقت» که ویژه نمایش و تقدیر از فیلم‌های مستند حوزه انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و مقاومت است، اکران و داوری شد.

مهدی عراقی کیست؟ چرا داستان زندگی او را برای این مستند انتخاب کردید؟

فیلم و نام آن، درباره شخصیتی به نام حاج‌مهدی عراقی است. او یک مبارز سیاسی است که فعالیتش را از اول دهه بیست با گروه فداییان اسلام شروع کرده است و یک دهه بعد به امام خمینی (ره) می‌پیوندد. او از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۵ را در زندان سپری می‌کند و هفت ماه بعد از انقلاب اسلامی، توسط گروهک فرقان، ترور می‌شود. مادر این مستند، زندگی حاج‌مهدی را در چهار فصل مرور و روایت کرده‌ایم.

در اولین فیلم خود، سراغ یک شخصیت و بیان بخشی از تاریخ رفتید، آیا این موضوع مورد علاقه و سبک فیلم‌سازی شماست؟

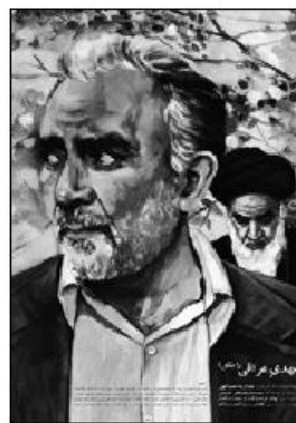
هر جاقصه و ماجرای هست، استعداد فیلم‌سازی هم هست. حاج‌مهدی عراقی هم خودش برای ما انسان و شخصیت جذابی بود و هم زندگی‌اش پر از قصه‌ها و ماجراهای متنوع و جورواجور بود. تصمیم فیلم‌سازی درباره او کار دشواری نبود.

آیا مستندهایی که مبنی بر آرشیو، اسناد تاریخی و مصاحبه هستند کار فیلمساز را راحت تر می‌کنند؟ یا مشکلاتی به همراه دارند؟

اگر منظور من مشخصا در ارتباط با فیلم مستند است، باید بگویم که از قضا «مهدی عراقی را بکش!» اصلا مبتنی بر آرشیو و اسناد تاریخی به معنای رایج و متداول نیست. این مستند بر پایه و چارچوب خاطرات شفاهی حدود سی نفر از دوستان و آشنایان، هم‌بندها و خلاصه کسانی که خاطرات بی‌واسطه‌ای از آقای عراقی داشتند، شکل گرفته است. مشکل اصلی و مهم ما پیدا کردن این شخصیت‌ها، ارتباط گرفتن با آن‌ها و در مرحله بعد مرور و یادآوری ریز و پر جزئیات خاطراتی از آنان بود که طبیعتا مربوط به دهه‌ها سال قبل و گذشته‌های دور می‌شد.

به نظر شما با توجه به برگزاری جشنواره تخصصی «سینما حقیقت»، جشنواره فیلم فجر چه جایگاهی برای فیلمساز مستند دارد؟

جشنواره فیلم فجر از آن جهت که مهم‌ترین رویداد سینمایی کشور است نسبت



حاج مهدی عراقی برای ما انسان و شخصیت جذابی بود و زندگی‌اش پر از قصه‌ها و ماجراهای متنوع و جورواجور بود. تصمیم فیلم‌سازی درباره او کار دشواری نبود



به هر رویداد سینمایی دیگر توجه بیشتری از مردم و رسانه‌ها می‌گیرد و از طرفی تعداد فیلم‌های منتخب، خیلی محدودتر است و در نتیجه فیلم‌ها بیشتر و بهتر دیده و قضاوت می‌شوند.

داوران را در گزینش و داوری به توجه چه جنبه، نکته یا مزیت خاص فیلم خود یا دیگر فیلم‌ها ترغیب می‌کنید؟

در مورد این مستند، وقت و توجه داوران را به رنگ آمیزی و چینش مصاحبه‌شوندگان در ارائه تصویر درست و واقعی از شخصیتی به اسم شهید مهدی عراقی و بیان روایتی روان و منسجم از او جلب می‌کنم.

در آخر اگر درباره فیلم و یا حضورتان در جشنواره فیلم فجر ۹۸ مطلبی باقی است، بفرمایید.

این اولین فیلم من و نخستین تجربه حضورم به عنوان فیلمساز در جشنواره فیلم فجر است. هنوز درست مزه‌اش نکرده‌ام؛ باید کمی زمان دهید.